



## شادباشی سال نو

سیاوش دانشور رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری  
ایران - حکمتیست

# مصلحتی کمونیست ۷۹۵

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱ فروردین ۱۴۰۴ - ۲۱ مارس ۲۰۲۴

## ادامه نسل کشی و پاکسازی قومی مردم فلسطین در غزه توسط دولت فاشیست اسرائیل

سعید یگانه

صفحه ۲

## با پوشیدن کفن، جنبش آزادی زن به شکست کشیده نمیشود!

ملکه عزتی

صفحه ۴

## بازخوانی یک پیام از کمون پاریس

رحمان حسین زاده

صفحه ۵

## اتحادیه اروپا، ناتو، اتحادی در ابهام

سیاوش دانشور

صفحه ۷

## بلعیده شدن معیشت اکثریت مردم در تورم و فقر

وریا روشنفکر

صفحه ۹

## در مورد ایجاد سازمانهای کارگری

منصور حکمت

صفحه ۱۰

## بهاران خجسته باد

## سالی نو، آغازی نو

با شروع سال نوو فرا رسیدن بهار و شادی، امید به بهبود و پیشروی به آینده ای روشن و خروج از این تاریکی را نوید میدهد. سالی که گذشت، هم سالی سیاهی و فقر و جنگ و هم سالی با پیشروی و موفقیت‌های محدود در تلاش و مبارزه به سوی آزادی و خلاصی از قید و بند نظام استثمارگر سرمایه داری و ارتجاع حاکم اسلامی، حداقل در محدوده جامعه ایران بود.

آغاز سال نو، آغازی برای پیشروی و موفقیت‌های بیشتر و پیروزی بر ظلم و نابرابری و تبعیض و بی عدالتی بسوی آزادی می تواند باشد. سال گذشته کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان و همه طبقات محروم جامعه، هزینه هنگفتی در این راه دادند و اما تسلیم ظلم و زور و اختناق اسلامی نشدند.

امید به پیروزی تنها چیزی است که به انسانها برای تلاش و مبارزه و خلاصی از این وضعیت قدرت و توان می دهد. امید را زنده کنیم. همراه و پشتیبان همدیگر باشیم. اتحاد و همدلی را دامن بزنیم. در روزهای سخت کنار همدیگر و پشت همدیگر را خالی نکنیم. جمهوری اسلامی رفتنی است. پیروزی به دست همه ما، کارگران، زنان و همه اقشار و مردم تحت ستم در ایران ممکن است. با تبریک سال نو. به امید شادی و پیروزی.

سردبیر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ادامه نسل کشی و پاکسازی قومی مردم فلسطین

### در غزه توسط دولت فاشیست اسرائیل

سعید یگانه



بعد از پایان مرحله اول آتش بس در غزه، دولت فاشیست و اشغالگر اسرائیل به بهانه عدم تمدید مرحله اول آتش بس از جانب حماس، حملات وحشیانه خود را دوباره به غزه آغاز کرد و ازبامداد سه شنبه با حملات سنگین هوایی به مناطق مختلف غزه بیش از ۵۰۰ فلسطینی که عمدتاً زنان و کودکان هستند، کشته شده اند. همچنین ارتش اسرائیل حمله زمینی برای بازپس گیری کریدور اصلی بین شمال و جنوب غزه را آغاز کرده است.

دولت جنگ طلب اسرائیل که هدفی جز ادامه جنگ، نسل کشی و پاک سازی قومی مردم فلسطین را در نقشه ندارد، با آغاز مرحله دوم آتش بس، که یکی از مفاد آن خروج کامل ارتش اسرائیل از مناطق غزه و پایان دائمی جنگ می باشد، بهانه ای برای ادامه جنگ و زیر پا گذاشتن مراحل بعدی توافق آتش بس پیدا کرد.

یک روز از پس از آغاز حملات وحشیانه در روز سه شنبه، نتانیاهو رهبر دولت دست راستی و اشغالگر اسرائیل در نطقی گفت که حملات با تمام قوا علیه حماس "بخوان مردم فلسطین" از سر گرفته خواهد شد. او در ادامه گفته است که مذاکرات تنها زیر سایه همین حملات ادامه خواهد یافت و این تازه اول کار است! "همین فاکت نشان می دهد که هدف دولت اسرائیل از مذاکره و آتش بس فقط آزادی گروگانها و خلاصی از فشار خانواده گروگانها، نه آتش بس و پایان جنگ و نسل کشی در غزه! دولت اسرائیل قبل از دوباره جنگ توافق دولت امریکا را جلب کرده است. یعنی در ادامه قتل عام مردم فلسطین توسط دولت فاشیست اسرائیل، دولت ترامپ نیز دستش به خون مردم فلسطین آغشته است.

"وزیر دفاع اسرائیل "یسرائیل کاتز" در تائید اهداف دولت در ادامه جنگ در غزه، فلسطینیان را به نابودی کامل تهدید کرد و از آنها خواسته که از توصیه ترامپ مبنی بر ترک منطقه پیروی کنند. "همزمان "ایتامار بن گویر" یکی از وزرای دست راستی دولت اسرائیل پس از مخالفت با آتش بس و استعفا از دولت، با آغاز حملات به غزه مجدداً به عنوان وزیر امنیت داخلی به کابینه نتانیاهو باز گشته است. این سخنان نشان می دهد که حماس بهانه است، هدف نابودی مردم فلسطین است. در داخل اسرائیل اعتراضات گسترده ای علیه دولت و بازگشت بن گویر آغاز شده و خانواده گروگانها دولت را به اعدام گروگانها متهم کرده اند و "دستانت به خون آغشته است" نتانیاهو را مقصر این وضعیت مورد خطاب قرار داده اند.

با آمدن ترامپ به کاخ سفید، دولت اشغالگر اسرائیل امید بیشتری به حمایت دولت امریکا از این نسل کشی و کوچ اجباری مردم فلسطین از نوار غزه و به طبع آن باریکه رود اردن پیدا کرده است. بی دلیل نیست که وزیر دفاع فاشیست اسرائیل توصیه ترامپ مبنی بر ترک منطقه را تشخواری کند.

با شروع آتش بس "که امکان نفسی به مردم فلسطین داد" از آغاز گفتیم که این آتش بس شکننده و تا جایی که به دولت اسرائیل بر

## شادباش سال نو

سیاوش دانشور رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست



تازه شدن طبیعت را به شما مردم آزادیخواه، به کارگران مبارز و جنبش طبقه کارگر، به زنان انقلابی که آوازه جسارت و ایستادگی شان جهانی را در نور دیده، به نسل جوانی که علیه عقب ماندگی فکری و فرهنگی بپاخاسته است، به زندانیان سیاسی و خانواده های جانبختگان و ستارگانی که نامشان بر جریده تاریخ ثبت است، به صفوف مبارزین انقلابی و آزادیخواه و برابری طلب تبریک میگویم.

اگرچه فقر و فلاکت برای بسیاری از کارگران و محرومان جشن و عیدی باقی نگذاشته است، بسیاری خانواده ها یا عزیزانشان زندانی اند یا داغ دیده اند؛ با اینحال جنبش توفنده کارگری، نه گفتن و تن ندادن مستمر زنان آزاده و انقلابی، شور زندگی میان مردم، نمادهای امید و مقاومت و از ارکانهای اساسی پیروزی بر حاکمیت ارتجاع اسلامی اند.

واقعیت اینست قبل از تازه شدن طبیعت، جامعه نو شده است. جامعه ایران آستن خیزش انقلابی دیگر برای دفن کهنه و برپائی نظم نوینی است. نبرد تازه آغاز شده است و ما راهی جز پیروزی بر حکومت فاسد و آزادی کش اسلامی سرمایه داران نداریم. تلاش کنیم سال نو، سال بگور سپردن رژیم اسلامی، سال انقلاب و سال تغییرات سترگ باشد. یک ایران آزاد و خوشبخت سوسیالیستی یک انتخاب و یک ضرورت مبرم است.

تازه شدن طبیعت و سال نو را به شما شادباش میگویم.

از طرف دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

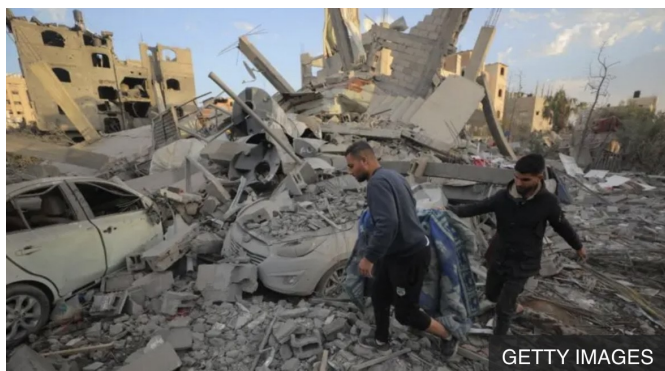
سیاوش دانشور

۲۹ اسفند ۱۴۰۳ - ۱۹ مارس ۲۰۲۵

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>



GETTY IMAGES

## ادامه نسل کشی و پاکسازی قومی مردم فلسطین...

می گردد، هدفی جز آزادی گروگانها، شناسایی نیروهای باقیمانده نظامی حماس و تشدید قوای ارتش برای ادامه جنگ و پاکسازی مردم فلسطین ندارند. دولت اسرائیل با آغاز دوباره جنگ جان گروگانها را به خطر انداخته و حماس برگی جز گروگانها برای معامله و توقف جنگ با دولت اسرائیل در دست ندارد.

هر دو دولت اسرائیل و آمریکا از آغاز جنگ در غزه و بعدا در لبنان را تغییر چهره خاورمیانه مورد نظر خود عنوان کردند. نابودی نیروهای نیابتی و تضعیف جمهوری اسلامی در منطقه از اهداف این جنگ بود. و اکنون با مواضع سران دولتهای اسرائیل و آمریکا شده که پاکسازی قومی و کوچ اجباری فلسطینیان اهداف نهایی این جنگ در محدوده فلسطین اشغالی است. آتش بس موقت میان حماس و دولت اسرائیل مرحله میانی این استراتژی، نه آتش بس دائم و پایان جنگ.

مردم فلسطین حق زندگی دارند. باید دولت فاشیست اسرائیل را تحت فشار قرار داد و دست از کشتار مردم و اشغال بر دارد. مردم رنج دیده و بی دفاع فلسطین محق بیشترین حمایت جهانی برای پایان جنگ هستند. ادامه جنگ و اشغال در فلسطین به ناامنی و تروریسم در جهان و عروج راست افراطی دامن می زند. مردم اروپا برای حفظ امنیت خود نیز ملزم به دفاع از مردم فلسطین و پایان جنگ، مقابله با تروریسم و فاشیسم در زندگی خود نیز هستند. راه حل پایان جنگ و بحران در فلسطین تشکیل دولت مستقل فلسطین است. تمام تجارب تاکنونی نشان داه است و اکنون بعد از یک نسل کشی آشکار و نفرتی که ایجاد شده راه حل میانی برای حل بحران فلسطین در دسترس نیست

20 مارس 2025

مردم بی دفاع فلسطین ابزاری برای دفاع از خود ندارند. با جنگی نابرابر و وحشیانه روبرو هستند که پشتوانه ای برای دفاع از خود جز بشریت آزادیخواه جهان مخالف این نسل کشی سراغ ندارند. چقدر دیگر زن و کودک و پیر و جوان باید کشته شوند تا دنیا به خود بیاید و جلو ادامه این نسل کشی بایستد و آن را متوقف کند.

مردم فلسطین دهه هاست که سرزمین آنان توسط یک دولت فاشیست و تا دندان مسلح اشغال شده است، میلیونها از این مردم آواره هزاران نفر کشته، دستگیر و زندانی شده اند. اکنون این مردم با بمب و کشتار مجبوری فرار از ویرانه غزه شده اند.

اسلامی در مقابل مقاومت و استقامت زنان شجاع به ته دیگ خورده و بهمین دلیل از شدت دستپاچگی به چنین حرکاتی دست میزند.

نه دولت پزشکیان و نه بقیه سران ریز و درشت حکومت نمیتوانند با توسل به این حربه ها جنبش زنان برای آزادی و برابری کامل در همه عرصه های اجتماعی و اقتصادی را متوقف کنند! چادر زدن که سهل است خودتان را با زنجیر هم به نرده های مجلس ببندید حریف این جنبش بپا خاسته نخواهید شد، بیهوده دست و پا نزنید! در گردابی گرفتار شدید که انتهایش سرنگونی انقلابی و پایان چهار دهه سرکوب و نابرابری است.

20 مارس 2025



## با پوشیدن کفن، جنبش آزادی زن به شکست

### کشیده نمیشود!

#### ملکه عزتی

وحشیانه قرار میگیرند و جانشان گرفته میشود. این زنان نه موضوع نشستهای مجلس هستند و نه کسی بخاطرشان چادر میزند و خواهان اجرای قانون علیه قاتلین میشود. نه "حامیان حجاب و عفت" کک شان میگذرد نه قانونگذاران خواب شبانه شان آشفته میشود و نه دین و آیین کسی بخطر میفتد. مضحکه و نمایش چندش آور تجمع حامیان حجاب چه برای پول و چه از سر "دل نگرانی و تشویش" برای اسلام به میدان آمده باشند که صد البته ظن پول در کفه سنگین ترازو قرار دارد، تفاوت

ماهوی زیادی ندارد. این حرکت ارتجاعی، زن ستیزانه، بی اساس و مضحک است. زنان اختیار انتخاب آزادانه پوشش و نحوه زندگی خود را دارند و هیچ احدی نمیتواند و اجازه ندارد برای آنها تصمیم بگیرد و تعیین کند چه بپوشند و چه نپوشند. هیچ انسانی آزادانه و به اختیار خود بر بردگی خود صحنه نمیگذارد و تن به تحقیر خود خواسته نمیدهد. چادر زدن و کفن پوشیدن تعدادی که با ضرب پول و یا با فشار و تحمیق، بردگی را پذیرفته اند و خواهان بردگی و تحقیر نیم دیگری از جامعه هستند تنها یک چیز را نشان میدهد کفگیر سیاستهای جمهوری

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**





تطمیع این صف درهم شکسته می‌خواهند مثلا عامل فشار برای ابلاغ این لایحه باشند. اما حقیقتا کور خواندید، با ابلاغ این لایحه ضد زن هم نمیتوانید تاریخ را به عقب برگردانید.

علیرغم اینکه این قانون هنوز اجرایی نشده در ۳ ماهه آخر سال ۱۴۰۳ بیش از سی هزار زن تحت اذیت و آزار ماموران سرکوبگر گشت ارشاد، حجاب بانان و بقیه اراذل و اوباشی که عامل سرکوب زنان هستند، قرار گرفتند.

آیا کسی تن داده؟ آیا درصد زنانی که حجاب سر کردند افزایش یافته؟ از هر ترفندی که متصور باشد استفاده شده تا مانع احقاق حق زنان و انتخاب آزادانه آنان شوند. از گشت ارشاد و توتل وحشت در مترو تا اهدای چادر و بلیط مجانی تئاتر و سینما، نتیجه کماکان مطابق میل سران حکومت نیست. کابوس سران حکومت کماکان حجاب و موی رهای زنان است، طوری به خنسی خوردند که از شهرهای دیگر کمک خواستند تا شاید فرجی شود و در برگشت حجاب معجزه ای رخ دهد.

آدم‌های تعلیم یافته و تطمیع شده مقابل طویله اسلامی چادر برپا کردند و از مجلس و دولت می‌خواهند لایحه را بیش از این مسکوت نگذارند! کم‌دی- درام مضحک و خنده داری که نشان از وضعیت بشدت آشفته حاکمیت دارد. در میزگردها و برنامه های تی وی یکی علیه و دیگری له حجاب موضعگیری میکنند. تلاش یک طرف این است اسلام را بیگانه جلوه دهد و طرف مقابل هم می‌خواهد حاکمیت را از زیر بار فشار جامعه نجات دهد. این بازار مکاره عین وضعیت داخلی حکومتی است که پله های سرنگونی را سه تا یکی طی میکند.

از تجمع این محافظان و مدافعان حجاب یک گزارش خبری چاپ شده که در نوع خود دیدنی است. دختران نوجوانی را به این تجمعات آوردند که کمترین اطلاعی در مورد این لایحه ندارند. ناگاهی و پروپاگاندا و تحمیق انسان‌ها از فاکتورهایی است که جمهوری اسلامی روزانه در مسجد و منبر و رسانه عمومی به آن متوسل میشود. سران جمهوری اسلامی تا آنجا که امکان داشته دلائل کل مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی را به نیروهای موهوم و نامعلوم منتسب کرده و برای آنچه که نتوانسته مقصر غیبی پیدا کند با سرکوب و اعدام و زندان در مقابل مردم معترض و ناراضی از وضعیت موجود ظاهر شده. اما تا آنجا که به حجاب برمیگردد از همه امکانات موجود و در دسترس همزمان استفاده کرده. از احساسات عقیمانده و فرهنگ مردسالار که هزار چند گاهی هم جان زنان را گرفته تا جریمه و جایزه تا بلکه از گسترش بی حجابی در سطح عمومی جلوگیری کند اما زنان تن نمیدهند، تن نداده اند و اینجاست که امثال حمید رسایی و همراهانش از اصفهان و قم و نجف آباد نیروی کمکی وارد میکنند تا وظیفه نجات اسلام و جمهوری اسلامی را به دوش آنها بگذارند. آنچه که می‌تواند و توانسته بطور جدی حکومت اسلامی را با خطر مواجه کند موی سر زنان و صدای حق خواهی آنهاست، روزانه چندین زن در گوشه و کنار مملکت به قتل میرسند، شکنجه میشوند، مورد تجاوز و خشونت

صفحه ۳

## با پوشیدن کفن، جنبش آزادی زن به شکست

### کشیده نمیشود!

ملکه عزتی

این روزها بازار افشاگری در مورد جنایات متعدد سران رژیم از هر طرف داغ است. رفیق دوست جانی، ترورهای خارج کشور را افشا میکند و اعتراف میکند این ترورها را سازماندهی کرده و با خنده ای کریه می‌گوید با گروه باسک برای ترور بختیار وارد معامله شدید! اخوند دیگری تایید و افشاگری میکند که در سالهای سیاه دهه شصت در بحبوحه اعدام‌ها به زنان تجاوز میشده! یکی هم از شکنجه در زندان‌ها می‌گوید. از همه جالب تر و شنیدنی تر صحبت‌های هفته قبل یک نماینده مجلس است که مدعی شده زنانی که در مقابل مجلس برای اجرایی شدن قانون عفاف و حجاب تجمع کردند از جاهایی پول میگیرند! این خیل قاتل و آدمکش طوری وارد میدان این افشاگری های رنگارنگ شده اند که تو گویی مردم در این چهل سال در خواب زمستانی بودند، مردم، زنان و جوانان همه اینها را میدانند. نیاز خاصی هم به ارائه ادله و مدرک نیست. شما جانورانی که در سرپا نگه داشتن این حکومت دخیل هستید و برای بچاپ و بقباق خودتان زندگی ۸۰ میلیون انسان را گروگان گرفتید و امروز وارد گود افشاگری و پته روی آب انداختن همپالکی هایتان شدید، شما به همان اندازه دست‌هایتان تا مرفق به خون آلوده است که متجاوزین و شکنجه گران درسیاه چالهای جمهوری اسلامی باعث و بانی مرگ عزیزان ما بودند.

زنان و مردانی که در این سالها در زندان‌هایتان و در جامعه ای که آن را به زندان بزرگی تبدیل کردید روزانه طعم تلخ تحقیر و سرکوب و بیحقوقی را به شکلی از اشکال در زندگیشان احساس کردند. امروز و در درمماندگی بیسابقه ای که حکومت اسلامی به آن دچار شده، حجاب آخرین سنگر جمهوری اسلامی برای چند صباحی دیگر ماندگاری و بقاست. برای مستحکم کردن این سنگر به هر ترفندی متوسل شدند، لایحه قانونی کردن و بحث تخلف از قانون تا حفظ حریم خانواده و حفاظت از جامعه در مقابل بی بند و باری.

لایحه عفاف و حجاب علیرغم تصویب مجلس و ارسال آن به دولت برای اجرایی کردن هنوز در راهروهای ساختمان پاستور سرگردان است و خاک میخورد. رئیس دولتی که هر روز با خودش درگیر است، می‌گوید نمیخواهد با ابلاغ این لایحه جامعه دچار دو دستگی شود! دو دستگی واژه کاذبی برای بیان این ماجراست، توصیف و توضیح دقیق این سناریو این است که جامعه چنان متشنج میشود و چنان کاسه کوزه هایتان را در هم میشکنند که به خواب هم ندیده باشید. دلیل واقعی عدم اجرایی شدن لایحه حجاب و عفاف شما از گور برخاستگان تاریخ این است که وحشت دارید، ترس مرگ و سرنگونی سر تا پای وجودتان را فرا گرفته. حجاب را آوردید تا مدعی شوید جامعه اسلامی است و مردم از قوانین اسلام تبعیت میکنند. حجاب پرود این ادعای شما هم نقش بر آب است. پایه های این قلعه پوشالی چنان از هم میپاشد که نتوانید نفس بکشید.

تعدادی زن و مرد را از مساجد و مراکز بسیج و سپاه از عقب مانده ترین افشار وابسته به این نهادهای سرکوب را جمع کردند و با پرداخت پول و

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!



پاریس ارائه کرده اند. بیسماران دیگر در این باره نوشته و گفته اند. در نتیجه از شما چه پنهان، اوایل تردید داشتم در این سمینار بحثی ارائه کنم. به خود میگفتم، همه چیز گفته و نوشته شده است. حرفی برای گفتن نمانده است! اما چشمم به یک پیام فشرده و کوتاه کمون پاریس افتاد که در فوریه سال ۱۹۹۴ میلادی، بهمن ماه ۱۳۷۲ در

نشریه کمیته کردستان حزبمان منتشر کردیم. این پیام توجهم را جلب کرد، که بازخوانی آن را در این سمینار ارائه کنم. دوستان! این پیام کمون را در مقطع تاریخی ۱۵۴ سال قبل باید گذاشت و دید. یعنی در میانه پیدایش و گسترش نظام کاپیتالیستی قرن نوزدهم، که نظم جدیدی در مقابل نظم کهن فئودالی، ملوک الطوائفی و شاهان بود. دوره کشور سازی مکی به ملت و ملی گرایی که بخشهایی از قوانین و سنت کهن را جارو میکرد، عناصر جدید و بخشا پیشرو را آورده بود. در آن شرایط اینچنین و با صراحتی که در این پیام آمده، شوریدن جسورانه علیه پدیده "کشور و کشور سازی و تعیین مرزهای جغرافیایی ممنوعه" به دور انسانها به نظرم خودآگاهی طبقاتی بالا و مهمتر جسارت بیان و تلاش برای جاری کردن آن، نگرش و تعلق اجتماعی محکم به کارگر و انسانیت را طلبیده است. به گمان من کموناردها در تجربه عملی خود دیده بودند، مرزهای دلبخواهی و به زور ایجاد شده در جغرافیایی به نام فرانسه بر طبق منافع استعمارگران سرمایه، به زندان و جغرافیای پر از رنج و ستم و جنگ و ناامنی کارگران و مردم محروم تبدیل شده و تا چه اندازه به همسرنوشتی انسانها در داخل و خارج فرانسه لطمه زده است. به این دلیل آنها خواستار دنیای بیمرز بودند. آنها دیده بودند، مناسبات طبقاتی نوین و استعمارگرانه سرمایه داری، با اتکا به موعظه کشیشان و خرافه گرایان ناسیونالیست، موجب استثمار انسان به دست انسان، استثمار کارگران و انسان کارکن و کار مزدی، گسترش تبعیض همه جانبه و نابرابری و فقر و بیکاری و مصائب نظم سرمایه است و اکیداً خواستار جارو کردن آن و به درست مرگ چنین فرانسه ای بودند.

محور دوم این پیام میگوید: "اینکه ما به طور اتفاقی در اینجا متولد شده ایم یا در آنجا ملیت ما را تغییر میدهد و از ما دوستان و دشمنان میسازد" منظور اینست دسته بندی ملی و دشمن تراشی ملی چقدر سیال و بی پایه و به قول کموناردها احمقانه مبنای تفرقه و جدایی انسانها است. به تجربه خودمان به عنوان انسانهای زنده مقطع حاضر نگاه کنیم. هر یک از ما در جغرافیایی متولد شده و هویت کاذب "کشوری و ملی" آنجا را بر پیشانی مان چسبانده اند. خیلی ها چند دهه است، به جغرافیاهای دیگر در کشورهای غربی و اروپا منتقل شده ایم، به کار و شغل و زندگی مشغولیم، بعضی ها فرزندانمان همین جا متولد شده اند، شهروندی همین کشورها را گرفتیم، اما هنوز که هنوز است، بر اساس هویت عقب مانده "کشوری، ملی" سابقمان و بیگانه نگرستن مان، تبعیض و نابرابری و تحقیر را جاری میکنند. تازه این تجربه کشورهای پیشرفته و متمدن تر دنیای معاصر است. صحبت از کشورهای عقب مانده تحت حاکمیتهای استبدادی خشن ملی مذهبی نیست. دقت کنید میتوان تصور کرد، هر یک ما به جای تولد در ایران و عراق و کردستان، ممکن بود، در آلمان و فرانسه و دانمارک و هلند و آمریکا و مصر و اسرائیل و برزیل ... یا به حیات گذاشته باشیم، آنوقت به جای

صفحه ۶

## بازخوانی یک پیام از کمون پاریس

رحمان حسین زاده

"کشورما" یک واژه، یک اشتباه! بشریت یک واقعیت، یک حقیقت. کشور واژه ای است نظیر بت و خدایان که توسط کشیشها و شاهان ساخته شد تا حیوانات باشعور را در محدوده های معینی محصور نگاه دارند، جایی که آنها را در جهت منافع اربابان، تحت نظر و بنام موقعیت کثیف آنها در انقیاد نگه میدارند. اینکه ما بطور اتفاقی در اینجا متولد شده ایم یا در آنجا، ملیت ما را تغییر میدهد و از ما دوستان و دشمنان میسازد. بگذارید به این بازی احمقانه گردن ننهیم و این مضحکه را که ما را همیشه در بند نگه میدارد، بدور افکنیم. بگذارید "کشور" به واژه ای توخالی به یک تقسیم بندی بی ارزش اداری تبدیل شود. کشور ما جایی است که در آن زندگی آزاد باشد و کارها روبراه. مردم! کارگران! آفتاب در حال طلوع است، با این امید که نابیناییها سرنگون باد مستبدین و جلاخان! فرانسه مرده است، زنده باد بشریت!

\*\*\*

در مقابل پیام بالا متعلق به کموناردهای پاریس، لازمست سر تعظیم فرود آورد در مقابل بلندای اراده و جسارت خلاف جریانی، در مقابل بلندای اهداف عمیق انسانی و خصلت انترناسیونالیستی نگرش رهبران و سازندگان کمون پاریس. همین پیام به تنهایی لوحه شفاف و زرینی است در معرفی حقانیت و ماهیت و محتوای محور انسان و عمیقاً انقلابی و کمونیستی و ضد خرافه هویت سازی کاذب ملی و "کشور و کشور سازی و تعیین مرزهای جغرافیایی ممنوعه" به دور انسانها. به نظرم خودآگاهی طبقاتی بالا در صفوف رهبران برجسته کمون پاریس و مهمتر جسارت بیان و تلاش برای جاری کردن آن، نشانه نگرش و تعلق طبقاتی و اجتماعی عمیق و محکم آنها به کارگر و انسانیت بوده است. پیام کوبنده کمونارها علیه "بازی احمقانه پدیده سیال و دلبخواهی ملت سازی و کشور سازی" و شعار متهورانه "فرانسه مرده است، زنده باد بشریت" را مقایسه کنید با سیاست و کارکرد چپ ها و "کمونست های" که امروز و ۱۵۴ سال بعد از این نگرش و تجربه درخشان کمون، هنوز اسیر دست بازی احمقانه "ملت - دولت" و باد زدن هویت ملی و ناسیونالیستی و خط کشی "ملل و ملیتهای مختلف" به جای برجسته کردن صورت مسئله بنیادی و واقعی جدال طبقاتی اند. آیا این عقب گرد طولانی بیش از این قابل تحمل است؟ بسیار دیر نشده است؟ با الهام از کمونارها و با ندای رسا اعلام کنیم: "ناسیونالیسم و هویت سازی ملی و ملی گرایی ننگ بشریت و مرده است. زنده باد انسانیت"

در مسیر بیشتر از ۱۵۰ ساله بعد از کمون پاریس تاکنون و در این مدت طولانی، در مورد اهداف و اقدامات کمون، کاراکتر رهبران جسوران و دستاوردها و کمبودهای این تجربه مهم و کوتاه مدت اولین حکومت کارگری در ابعاد وسیع گفته و نوشته شده است. نایبغه هایی چون مارکس، انگلس و لنین جمع بندی خود را از کمون

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



## بازخوانی یک پیام از کمون پاریس

رحمان حسین زاده

خرافه هویت ملی و کشوری، ایران و عراق و کردستان، هویت وارونه و دست ساز آلمانی، هلندی، دانمارکی، اسرائیلی و مصری را بر پیشانیان می چسپاندند و براساس این حماقت، تعصبات و دوستی و دشمنی ها را نوع دیگری برابمان تعریف میکردند. میخواهم بگویم کموناردها بی نهایت محق بوده اند که نوشته اند "بگذارید به این بازی احمقانه گردن ننهیم و این مضحکه را که ما را همیشه در بند نگه میدارد، بدور افکنیم". به باور من یکی از درسهای مهم کموناردها برای امروز طبقه کارگر جهانی و کمونیستها اینست که این حماقت تن ندهیم و ما هم تاکید کنیم. "بگذارید کشور و من اضافه میکنم، "ملت و ملی گرایی و خرافه دولت - ملت" که هنوز ایدئولوژیهای بورژوا موعظه اش میکنند، به واژه ای توخالی، به یک تقسیم بندی بی ارزش تبدیل شود. "کشور ما جایی است که در آن زندگی آزاد باشد و کارها روبراه" هر جا هستیم برای زندگی آزاد و بهتر و جامعه روبراه تلاش کنیم.

محور دیگر این پیام رسا و فشرده، اینست وقتی که کموناردها قدرت سیاسی را تصرف کرده و اولین حکومت کارگری و کمونی را ایجاد کرده اند، علیرغم دشواریها و سختی های فراوان، اما بسیار خوش بین فراخوان داده اند:

"مردم! کارگران! آفتاب در حال طلوع است، با این امید که نابیناییها پایان بگیرد" این پیام آنها در شروع اعمال قدرت کارگری، امیدوار به گسترش و طلوع آن در دیگر شهرهای فرانسه و چه بسا اروپا و خوش بینی نسبت به پیروزی قطعی است. آنها حق داشتند، در آغاز پیروزی، به فرجام پیشروی و موفقیت کار خود امیدوار باشند. اگر این اتفاق میفتاد، و تصور کنید حکومت کارگری در فرانسه تثبیت میشد، چهره اروپا و دنیا تغییر میکرد. بورژوازی ها را این را میدانست، بر این اساس بی توهم و با همه توان سبانه تصمیم به شکست کشاندن کمون پاریس گرفت. ارتجاع بورژوایی فرانسه و آلمان در حال جنگ، از هیچ توطئه و ائتلاف مشترکی علیه کمون پاریس و کموناردها کوتاهی نکردند. این جانیان تاریخ سی هزار کمونارد قهرمان را به قتل رساندند و چند برابر آن زندان و شکنجه و تبعید و زیر فشار طاقت فرسا قرار گرفتند. بورژوازی فرانسه با همدستی بورژوازی پروس با تمام ظرفیتهای جنایتکارانه کمون نوپای پاریس را در خون غلطانند. اما نتوانستند آوازه تجربه و دستاوردها و اراده و جسارت های بی نظیر رهبران جاویدان کمون را در یک قرن و نیم اخیر بزدایند. امروز گرامی داشت جهانی سالگرد کمون پاریس گوشه ای از این واقعیت پایدار است.

بخش پایانی این پیام کوتاه کمون پاریس این شعار عمیقاً پر معنای آزادیخواهانه و انسانی است.

"سرنگون باد مستبدین و جلاخان! فرانسه مرده است، زنده باد بشریت"

چه متهورانه، چه جسورانه و پر از اراده خلاف جریانی! این یعنی دفن نظم استعمارگرانه به نام کشور و در این دوران ما به نام "ملیت و هویت ملی و خرافه دولت - ملت". به نظرم این درجه از تعرض حق طلبانه به خرافه "کشور و کشورسازی و ملت و هویت ملی" از دوره بعد از کمون و حتی در تجربه انقلاب کارگری بزرگ اکتبر نمی بینیم. علت اینست از

آن دوره تاکنون بورژوازی جهانی و محلی عقب گرد محافظه کارانه ای را به انترناسیونالیستها، به کمونیستها و کارگران کمونیست تحمیل کرده اند. این پدیده به ویژه بعد از شکست انقلاب سوسیالیستی اکتبر بسیار مشهود است. ناسیونالیسم چپ بورژوازی در فرمت سوسیالیسم بورژوایی روسیه و چین و اقمار آنها برای چندین دهه خود بستر تقدس "کشورسازی مستقل و ملی و هویت ملی" شدند. طبقه کارگر را به دنبال پروپاگاندا توخالی "منافع ملی و استقلال کشور" کشاندند. کارگر و مردم محروم را به نیروی جنگهای "ملی و میهنی" تبدیل کردند. به اعتقاد من اگر کموناردهای پاریس فجایع جنگ جهانی اول و دوم، جنگهای تحمیلی قدرتهای جهانی و امپریالیستی را در وینتام و هند و چین و خاورمیانه و آفریقا و آسیا زیر نام "منافع ملی و کشوری" میدیدند، تردیدی نیست، قاطعانه تر ادعای کمونیستی را علیه نظم وارونه "کشورها و ملتها و منافع ملی" صادر میکردند. اکنون وقت آنست کارگران کمونیست و کمونیستهای کارگری ماگزیمالیست بنا به ضرورت این دوران رساتر و شفافتر به این سنت و سیاست طبقاتی کموناردهای پاریس پای بشاریم.

در نتیجه در پایان تنها به عنوان یک تجربه در میان دهها تجربه با ارزش کمون پاریس این ضرورت را باید برجسته کرد، که برای رهایی از نظم وارونه کاپیتالیسم معاصر و گلوبال، به یکی از ارکانهای ایدئولوژیک و سیاسی سرمایه داری "ملت و هویت ملی و دولت - ملت و منافع ملی" درست همانند خرافه مذهب لازمست تعرض ماگزیمالیستی را سازمان دهیم. من هم با الهام از جمله با ارزش کموناردها تاکید میکنم که "بازی احمقانه دسته بندی ملی و هویت ملی و کشوری" تن ندهیم. با جسارت اعلام کنیم؛ "ملی گرایی، هویت ملی و ناسیونالیسم را دفن کنیم، زنده باد انسانیت".

زنده باد کمون پاریس

زنده باد حکومت کمونی و شورایی

\*\*\*

نوشته بالا بار اول چهار سال قبل در سمینار گرامی داشت کمون پاریس، رویداد بزرگ و درخشان متعلق به طبقه کارگر و محرومان فرانسه و جهان ارائه شد. در شرایطی که کاپیتالیسم و قطبهای اصلی و ضد انسان، جهان را به بربریت بی نقاب سوق میدهند، یادآوری مهمترین درسهای کمون پاریس ضد سرمایه داری، برای مبارزه امروز طبقه کارگر و کمونیستها اهمیت دارد. به این دلیل این مطلب مجدداً منتشر شد.

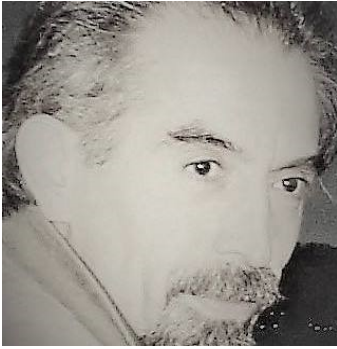
۱۸ مارس ۲۰۲۵

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!**



## اتحادیه اروپا، ناتو، اتحادی در ابهام

### سیاوش دانشور



ها در قبال ناتو و چتر امنیتی آمریکا نیست. فلسفه وجودی ناتو بمثابه یک اتحادیه نظامی قدرتمند، در مقابل بلوک شرق و در دوران جنگ سرد شکل گرفته بود. با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ناتو موضوعیتش را از دست داد و معلوم نبود ناتو وحدتش را باید چگونه ادامه دهد و در مقابل کدام "خطر" باقی بماند. تعریف نقش جدید برای ناتو،

که همان گسترش آن به کشورهای اروپای شرقی، شرکت در جنگ و بمباران در یوگسلاوی سابق و بالکان، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، کشورهای شمال آفریقا، مواجهه با تروریسم بین‌المللی و مصافهای امنیتی، نیز برای چند دهه ناتو را نگاهداشت. بقای ناتو رابطه مستقیمی با سازمان درونی کشورهای تشکیل دهندگان آن، تسلیحات سازمانی و استراتژیک آن، باز آریابی برای سرمایه‌های بخش نظامی، شرکتهای تولید این سلاحها، یافتن میدانهای لازم برای جنگ و آمیزش و استفاده از آنها را داشت. لذا سیاست گسترش ناتو تنها و صرفاً برای محاصره روسیه و تقابل با چین نبود بلکه قرار بود بعنوان یک رکن مهم اعمال رهبری آمریکا بر جهان عمل کند.

### ناتو

امروز نیز ناتو و چهارچوبهای امنیتی آن نظر به تغییرات جهانی نیازمند بازتعریف مجدد اند. تلاش اینست که اینبار با ظهور تهدیدات جدیدی مانند قدرت‌گیری روسیه و چین و رقابتهای ژئوپولیتیک، فلسفه وجودی و مأموریت جدید ناتو بازتعریف شود. اگرچه هنوز ناتو بعنوان یک اتحادیه نظامی قدرتمند در اروپا حضور دارد، اما مشکلات کنونی از جمله اختلافات میان اعضای ناتو مثلاً بین آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، نگرانی‌ها از تهدیدات روسیه، چین، نامانی در اروپا و گسترش تروریسم، وحدت ناتو را در مقابل سوالات جدی قرار داده است. مشکلات اتحادیه اروپا با آمریکا فقط برسر ناتو نیست، موضوعاتی مانند توافقات تجاری و بحث تعرفه‌ها، سیاست‌های محیط زیستی و اقلیمی، روابط بین‌المللی، برسمیت نشناختن سازمانها و ائتلافهای جهانی توسط آمریکا، به تنش و اختلاف دامن زده است و آینده ناتو نیز نظر به سیاست پروتکشنیستی و یکجانبه آمریکای، از منابع تشدید بحران در روابط اروپا و آمریکا و عبارتی هسته اصلی پدیده "غرب" است. اروپا بعنوان جزئی از غرب در مقابل تعرض آمریکا دستش خالی است. اولین سوال تأمین امنیت اروپا در مقابل روسیه است که تاکنون زیر چتر حمایت هسته ای آمریکا بوده است. روسیه و چین به عنوان دو قدرت بزرگ و امروز نسبتاً متحد جهانی، برای امنیت اروپا تهدید محسوب میشوند. جنگ اوکراین یک نمونه تیپیک است. روسیه با تحرک نظامی در مرزهای اروپا سایه سنگین اش را روی سر اروپایی‌ها گسترانده است. از سوی دیگر، چین با سیاست‌های اقتصادی و تجاری خود، به یک رقیب اقتصادی واقعی در جهان تبدیل شده و به نوبه خود نیازهای اروپا را تحت تأثیر جدی قرار میدهد. دولتهای اروپا باید در این اوضاع تصمیم بگیرند. اروپایی‌ها راهی ندارند جز اینکه به خواستههای آمریکا و ترامپ پاسخ دهند. راه حل دیگر، و اگرانی در آنچه "غرب" نامیده میشود و رفتن بسوی ایجاد یک ارتش مستقل اروپایی است. اما یک ارتش واحد اروپایی درست مانند ارز واحد (یورو)، در گرو دوام و بقای خود اتحادیه اروپا است. این روزها زیاد در باره ضرورت ارتش واحد اروپا می‌شنویم اما این مسئله در حد طرح باقی میماند.

یورو

اتحادیه اروپا با مجموعه ای از بحران و تنش داخلی و بین‌المللی روبروست. بحرانهایی که سیمای آتی آنرا ترسیم میکند. اروپای مرکز دمکراسی لیبرال و پارلمانتاریسم، مهد انقلابات با تأثیر قوی از انقلاب فرانسه، قاره ای برای جنبشهای پیشرو در قلمروهای مختلف در دهه های متمادی، طی چند دهه گذشته یک سیر مستمر نزولی را طی کرده است. راستگرایی جهانی دهه هشتاد، عروج تاجریسم و ریگانیسم و مانیتاریسم باضافه پایان جنگ سرد و سقوط اردوگاه سرمایه داری دولتی شرق، عوامل تعیین کننده در وضعیت امروز اروپا هستند. بعبارت دیگر، اتحادیه اروپا بعنوان متحد آمریکا در جنگ سرد، و پدیده ای که بنام "غرب" و "جهان آزاد" شناخته میشود، با پایان جنگ سرد فلسفه وجودیش را از دست داد و خود دستخوش تحول شد.

وحدت دو آلمان و فتح بازارهای بلوک شرق، تنها فرصت موقتی بود که این بحران وجودی را به عقب بیاندازد. تعریف یک "اردوی شَر" توسط آمریکا و دول غربی، اینبار اسلام سیاسی که توسط غرب در دوره جنگ سرد در تقابل با بلوک شرق و "خطر" کمونیسم با "تز" کمربند سبز امنیتی" برژنیسکی ایجاد شد، اینبار قرار بود توجیه گر میلیتاریسم و "حمله پیشگیرانه" و توسعه طلبی امپریالیستی باشد. ایندوره نیز به انتهای خود رسیده است و اسلام سیاسی مخلوق دمکراسی غربی باندازه کافی خیرش را رسانده است. محکوم کردن صدها میلیون انسان در کشورهای اسلام زده تحت حاکمیت مشنی گانگستر سیاسی - نظامی، سازماندهی آپارتاید جنسی و تشدید استثمار خشن طبقه کارگر، جنگ و ویرانی چندین کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا، از فوائد سیاست "جنگ با تروریسم" آمریکا و دولتهای غربی بوده است.

اما مدتهاست که اوضاع عوض شده است. راستگرایی جهانی دهه هشتاد اگر در ابتدا نیروهای محافظه کار و سوسیال دمکرات و لیبرال اروپایی و جهانی را راست تر کرد، بتدریج امکان عرض اندام فاشیستها را فراهم آورد. دمکراسی و انتخابات مانند قرن گذشته قابل قدرنگیری فاشیسم شد. امروز گسترش قدرتگیری فاشیستها و احزاب راست افراطی در کشورهای مختلف اروپایی به یک مسئله جدی بدل شده است. احزاب پوپولیست و ناسیونالیستهای افراطی در حال بلعیدن اروپا هستند و در هر انتخاباتی گامی جلو برمیدارند. امروز آنچه که زمانی بمثابه "افتخار" و "ارزش" برسر در اروپا حک شده بود و سخنگویان دمکراسی آنرا جار میزدند؛ یعنی رواداری، دمکراسی، سکولاریسم، حقوق بشر، تنوع فرهنگی، جایش را به نگرش راسیستی یورو- سنترستی با هویت اروپایی و سفید، ضدیت کور با مهاجرین و پناهندگانی که محصول سیاستهای جنگ طلبانه همین دولتها هستند، زن ستیزی و گسترش خشونت علیه زنان، میداناری راسیسم و فاشیسم، تحبیب دستگاه دین و صنعت مذهب، تروریسم، اعمال شدید سیاستهای ریاضت اقتصادی، تهاجم بی ترمز به دستاوردهای نسلهای متمدن طبقه کارگر و جنگ و نامانی از آینده و نفس موجودیت اتحادیه اروپا داده است. به این مسائل باید اختلافات جدی میان اروپا و آمریکا، اختلاف برسر ناتو، نگرانی از قدرت استراتژیک چین و روسیه را افزود که موضوعات متعددی را دربرمیگیرند.

### انتخابهای محدود و آینده پر ابهام

اولین مشکل اینست که پدیده "غرب" دوره سابق خود دستخوش تحول است و بحران در اتحادیه اروپا نیز از همین سیر تبعیت میکند. مشکلات در ناتو نیز برخلاف ادعاهای دونالد ترامپ صرفاً برسر هزینه اروپایی

## اتحادیه اروپا، ناتو، اتحادی در ابهام

### سیاوش دانشور

برای مواجهه نشدن با مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بیشتر، به سمت روسیه تمایل پیدا کنند و در سیاست خارجی شان تجدید نظر کنند. نزدیکی با روسیه بویژه در مورد کشورهای شرق اروپا که وضعیت اقتصادی وخیم تری دارند بیشتر محتمل است.

تقسیم مجدد اروپا: یک احتمال نیز تقسیم اروپا به مناطق مختلف است. گسترش اختلافات سیاسی و اقتصادی، ممکن است اروپای واحد امروز را بطور غیررسمی به بلوکهای مختلف تقسیم کند. تقسیم بندی که می تواند بر اساس تمایلات اقتصادی، سیاسی یا امنیتی باشد. امروز کشورهای در اروپا تمایلات پرواتلانتیک دارند و میتوانند بصورت جداگانه در یک همکاری همه جانبه با آمریکا قرار گیرند. در طرف دیگر، کشورهای شرقی یا جنوب شرقی اروپا هستند که بیشتر به روسیه تمایل دارند و میتوانند آنها هم بمثابة یک بلوک در اروپا به سمت روابط نزدیک تر با مسکو گام بردارند. این وضعیت می تواند به ایجاد دو یا چند "اروپای متفاوت" منجر شود که در آنها دیگر آن هماهنگی سیاسی و اقتصادی که در اتحادیه اروپای امروز شاهدیم را نخواهیم دید.

اروپا در حال عبور از یک دوره پیچیده است و ابهامات زیادی در خصوص آینده اش وجود دارد. احتمال تقسیم مجدد اروپا به دو یا چند بلوک سیاسی با تمایلات مختلف، چه در سطح روابط خارجی و چه در ساختارهای اقتصادی، امکان پذیر است. این تقسیم می تواند بر اساس تمایلات ملی گرایانه، اقتصادی و یا حتی نظامی صورت گیرد و اتحادیه اروپا را با بحران های جدی مواجه کند. آینده ناتو نیز بشدت به تحولات داخلی اتحادیه اروپا، دیدگاه های کشورهای عضو و روابط آنها با ایالات متحده وابسته است. ناتو ممکن است از یک اتحاد صرفاً دفاعی در برابر تهدیدات نظامی به یک سازمان چند منظوره تر تبدیل شود. اگر اتحادیه اروپا نتواند وحدت خود را حفظ کند، ممکن است کشورهای مختلف ناتو به سمت بلوکهای جداگانه حرکت کنند.

### سوسیالیسم کارگری یک پاسخ است

در جهانی که از سر تا بن دستخوش تحول است، صحنه سیاست و جامعه فقط زیر نگین انگشتی بورژوازی و طبقات دارا نیست، یکسوی جدال واقعی در جوامع سرمایه داری مبارزه بیوقفه طبقاتی و کشمکش دائمی کار و سرمایه است. در دوره های بحران که فاشیسم و ناسیونالیسم و قومگرایی و مذهب به عسای دست بورژوازی بدل میشود، سوسیالیسم کارگری میتواند یک نیرو و جنبش اجتماعی واقعی باشد که علیه کلیت کاپیتالیسم عروج کند. در مقابل ملیگرایی و ناسیونالیسم، انترناسیونالیسم کارگری و هویت جهانی و حقوق پایه ای انسان را مبنا قرار دهد، در مقابل جنگ و رقابت بورژوازی پرچم مقابل تعرض و جنگ بورژواها انقلاب علیه وضع موجود را قرار دهد. نه فقط اروپا بلکه جهان امروز نیز در دو راهی سرنوشت ساز بربریت کاپیتالیستی یا سوسیالیسم کارگری قرار گرفته است.

۲۰ مارس ۲۰۲۵

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

اتحادیه اروپا به عنوان یک نهاد سیاسی و اقتصادی، از اصولی مانند همبستگی اقتصادی، سیاست های مشترک و ارزی یکسان پیروی میکند. یورو، واحد پول کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از سال ۲۰۰۲ به جای ارزهای ملی در ۱۹ کشور اروپایی به کار گرفته می شود. مسئله پیوستن به ارز واحد بر مراتب پیچیده تر از پیوستن کشورها به اتحادیه بوده است و هنوز دستکم ۸ کشور عضو اتحادیه به یورو نپیوستند. تشدید بحرانهای داخلی و بین المللی اروپا روی یورو هم تاثیر میگذارد. امروز اتحادیه اروپا به دلیل منافع اقتصادی مشترک، هنوز پایدار بنظر میرسد. اما تردیدی نباید داشت که با گسترش

بحران های داخلی، قدرتگیری بیشتر راست افراطی، بحران مهاجرت و سیاست های متناقض کشورهای عضو، واگرایی و ایجاد شکافهای بزرگتر در رانده که می تواند به تدریج به تجزیه یا تضعیف اتحادیه اروپایی منجر شود. در صورت گسترش بحرانها و شکافهای درونی اتحادیه اروپا، از جمله تقویت راست افراطی و ناسیونالیسم و تمایلات جدایی طلبانه مانند آنچه در بریتانیا رخ داد، بروز بحران ارزی یک احتمال واقعی است. در چنین شرایطی آندسته از کشورهای بلحاظ اقتصادی ضعیف تر ترجیح میدهند سفره شان را جدا کنند و خود را از زیر باز هزینه ها و فشارهای اقتصادی مشترک یورو خلاص کنند. ما با سیر برگشتی روبرو خواهیم شد که کشورها مجدداً از ارز واحد اروپایی به ارزهای ملی خود برگردند. یورو بدنبال ناتو، یک تهدید جدی دیگر برای ساختار اقتصادی کنونی اتحادیه اروپا است.

### دو راهی های نه چندان مطمئن

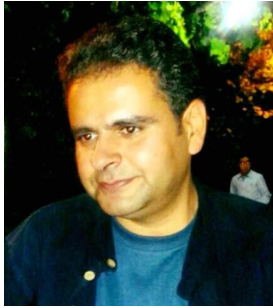
مجموعه اوضاع و رقابتهای جهانی که بویژه بعد از جنگ در اوکراین بیش از پیش سر باز کردند، قدرتگیری مجدد ترامپ و راستهای افراطی در اروپا، کشورها و نهاد اتحادیه اروپا را بر سر دو راهی های مهم اما نه مطمئن قرار داده است. در کوتاه مدت و حتی میانمدت، اگر اتحادیه اروپا قادر شود که بر مصافهای داخلی خود فائق آید و روابط مؤثری با قدرت های جهانی مانند آمریکا، روسیه و چین برقرار کند، احتمالاً از بحران های کنونی موقتا عبور خواهد کرد. اما اگر شکافها درون اتحادیه عمیق تر شوند و خط مشی ملیگرایی و جدایی طلبی تقویت شود، چشم انداز آینده اتحادیه اروپا فروپاشی است. این چشم انداز نزدیک به نظر نمیرسد اما دستکم تغییرات ساختاری بسیار محتمل اند. شرایط کنونی اروپا و تحولات جهانی به ویژه در پی بحران های داخلی و خارجی، این احتمال را تقویت می کند که دگرگونی های عمده ای در ساختار سیاسی، اقتصادی و حتی جغرافیایی اروپا اتفاق بیفتد. چند احتمال مهم میتواند مطرح باشند که به نوبه خود می تواند به تقسیم مجدد اروپا منتهی شود:

تشکیل ائتلافهای فرا-اروپایی راست افراطی: این یک احتمال واقعی است که فی الحال در جریان است. نیروها و احزاب فاشیست و راست افراطی در هماهنگی با آمریکا در پی ائتلافهای جدید اند، ائتلافهایی که فعلاً و بیشتر در شکل بلوکهای سیاسی واحد با خط مشی یکسان ظاهر میشوند اما استحکامشان در گرو تضعیف ساختارهای پیشین است. تکرار "برگزیت" و ائتلاف جداگانه با آمریکا فقط یک نمونه دوجانبه است که میتواند مجدداً رخ دهد و یا به ائتلافهای چند جانبه در اروپا و بیرون اروپا شکل دهد.

چرخش در سیاست خارجی و نزدیکی به روسیه: یک راه دیگر بویژه برای کشورهای اروپایی که وارد کننده عمده انرژی از روسیه هستند،

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!





دو از شاخصه های نظام سرمایه داری می باشند.

اعمال سیاست‌های نولیبرالیستی در طول همه این سال‌ها و حراج و غارت منابع و صنایع و اموال عمومی زیر عنوان کوچک کردن دولت و سپردن کار مردم به مافیاهای نزدیکان حاکمیت بوده، نابودی تولید داخلی و ورشکستگی اقتصادی را به دنبال داشته است.

فساد گسترده و البته نبود عزم واقعی در نظام حکمرانی برای اصلاح وضعیت و تحریم بخش نفت و انرژی، فشارهای خارجی حلقه زندگی را برای مردم تنگ تر کرده است.

افراد کم‌آمد در این شرایط نظاره گر سرازیر شدن ثروت‌هایی هستند که با رانت و به بهانه تحریم‌ها به جیب یک قشر خاص سرازیر می شود. بدین گونه سهم طبقه ضعیف از سرمایه و تحریم‌ها، کاهش شدید قدرت خرید و جیره بندی آب و برق است. به عبارتی پول و فرصت شغلی به کام ثروتمندان و حسرت، بیکاری، فقر و از بین رفتن کرامت انسانی سهم طبقه کارگر و مردم ستمدیده و زیر خط فقر جامعه است.

آثار فقر موجب می‌شود هنجارهای فرهنگی و اجتماعی نیز دچار شکست و فرسایش شوند و اعتماد عام مردم نسبت به همدیگر کاهش یابد. این همان سیاستی است که حکومت برای بقا ضروری می‌داند. در کل، "ناکارآمدی" نظام سرمایه داری اسلامی در حل بحران‌ها و ابربحران‌هایی است که ریشه آنها به سال‌ها قبل بازمی‌گردد. در تمام این سال‌ها نخبه‌ها راه‌حلی برای حل این مشکلات به‌کار گرفته نشد بلکه در بسیاری از موارد، مسئولان نظام آدرس غلط دادند و یا اساساً وجود این بحران‌ها را انکار کردند.

امروزه اعتراضات کارگری، معلمان، بازنشستگان و ... تقریباً هر روزه در گوشه و کنار کشور در جریان است. شاید وصل کردن این اعتصابات و ارتقای خواسته‌ها از صنفی و مقطعی به سمت اعتصاب و اعتراض‌هایی که موجب فلج نمودن سیستم حاکم گردد یکی از حلقه‌های مهم جهت نیل به سرنوشت انقلابی جمهوری اسلامی باشد.

20 مارس 2025

## بلعیده شدن معیشت اکثریت مردم

### در تورم و فقر

#### وریا روشنفکر

با شروع هر سال جدید، موضوع حداقل دستمزد کارگران به یکی از مباحث روز و دغدغه کارگران و خانواده‌های آنها تبدیل می‌شود. حداقل دستمزد کارگران در آفری ۱۴۰۴، چهل و پنج درصد عنوان شده که با توجه به تورم رو به افزایش امکان تامین حداقل معاش شایسته برای کارگران تامین نخواهد شد.

اساساً تعیین این درصد از طریق یک ارگان جعلی و غیر کارگری چون شورای عالی کار نمی‌تواند تامین کننده منافع کارگران باشد و خروجی ارگانی که نماینده واقعی کارگران در آن نیست، قطعاً بهتر از این نمی‌تواند باشد.

تورم یکی از پدیده‌های ذاتی و مزمن نظام‌های سرمایه داری است. انباشت نامتناسب ثروت در جامعه پدیده‌های دیگری نظیر بیکاری، فقر، و شکاف طبقاتی، را به وجود می‌آورد.

فقر یکی از پیامدهای تورم و در حقیقت یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که زندگی اجتماعی مردم کارگرورنجدیده را در سطوح و به شیوه‌های مختلف و پیچیده تحت تأثیر قرار می‌دهد، تورم نقش اساسی در ایجاد جهنم فقر دارد.

تورم، اثر مخربی بر زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم به‌ویژه بر زندگی کارگران می‌گذارد طی ماه‌ها و هفته‌های اخیر شاهد روند صعودی دلار و به تبع آن سایر کالاهای اساسی مردم هستیم.

با افزایش شدید قیمت مواد خوراکی و مسکن در دوازده سال گذشته، خانوارهای بسیاری قدرت خرید خود را از دست داده و جمعیت فقیر در کشور به شدت افزایش یافته به گونه‌ای که طبق آمار تقریباً از هر سه ایرانی یک نفر فقیر است. عملکرد سیستم اقتصادی ایران صرف نظر از اینکه کدام دولت سرکار بوده است برپایه سیستم رانتی و کریپتوکراسی حاکم می‌باشد.

ثروت در دست بنگاه‌های دولتی و انحصاری مذهبی و سپاهی است که براساس اسناد منتشر شده، بیشترشان نه تنها ثروتی تولید نمی‌کنند، بلکه زیانده هم محسوب می‌شوند و از همین رو سیکل خام فروشی نفت و تبدیل آن در داخل به ریال رویه‌ای ثابت در طول حاکمیت جمهوری اسلامی بوده که موجب افزایش نقدینگی و تورم مضاعف می‌گردد. افزون بر این، تنش ایدئولوژیک جمهوری اسلامی با جهان فشار اقتصادی را بر دوش طبقه کارگر و مردمزیر خط فقر گذاشته است.

طبق آمار در آخرین روزهای سال ۱۴۰۳ کشور با بحران‌هایی همچون کاهش پرشتاب ارزش ریال، فقدان سرمایه‌گذاری، تورم بالای ۳۵ درصدی روبرو است. مسکن و خوراک، دو هزینه اصلی خانوارهای ایرانی است. میانگین این دو با هم برابر ۶۳ درصد هزینه یک خانوار ایرانی است.

اما میانگین سهم خوراک خانوار ایرانی تنها ۳۶ درصد است، اساساً سیستم اقتصادی حاکم ایجاد فقر مضاعف و بیکاری تحمیل می‌کند که هر

**راههای ارتباط با حزب حکمتیست**

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

www.hekmatist.org

سازمان سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲  
 پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰  
 رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹  
 ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

Worker Communist Party of Iran - Hekmatist



عمری به دنبال حقوق صنفی کارگران دویده باشد قطعاً به این حرف ما اعتراض خواهد کرد. او خواهد گفت:

۶ - "این یک واقعیت است، و شما کمونیست‌ها هم با آن موافقید، که کارگران به تشکیلات توده‌ای خود نیاز دارند. کارگران نمیتوانند دندان روی جگر بگذارند، شاهد کاهش روزمره دستمزدشان و افزایش فشار کار و محرومیت‌هایشان باشند و هیچ نگویند. و یک روز صبح ناگهان انقلاب کمونیستی کنند، حکومت کارگری بر سر کار بیاورند و همه آنچه را که شما کمونیست‌ها در برنامه‌تان آورده‌اید عملی سازند. کارگران باید بطور روزمره برای بهبود اوضاع خودشان مبارزه کنند و این محتاج تشکیلات توده‌ای و صنفی کارگران است."

۷ - بله، تا اینجا بحث ما کمونیست‌ها هم موافقیم... و نه فقط این، بلکه میگوییم تشکیلات توده‌ای کارگران تنها ابزاری برای بهبود اوضاع آنها نیست، بلکه همچنین میتواند زمینه‌ای برای بهتر و سریعتر متشکل شدن کارگران تحت سیاست انقلابی طبقه کارگر، یعنی سیاست کمونیستی باشد. ما کمونیست‌ها نه فقط اصلاحات، بلکه حتی انقلاب کارگری را بدون تشکیلات توده‌ای گوناگون کارگران، یعنی بدون تشکیلهایی که میلیونها کارگر را در خود جای بدهد عملی نمیدانیم.

۸ - اما دوست سندیکالیست ما از اینجا نتیجه میگیرد که:

۹ - "خوب اگر قرار است که تشکیلات توده‌ای کارگران، مثلاً سندیکا دنبال خواسته‌های کارگران را بگیرد، باید با دولت و کارفرما طرف شود. دولت و کارفرما حاضر نمیشوند با تشکیلاتی که رسمیت قانونی نداشته باشد، صحبت کنند. بنابراین ما باید خودمان با زبان خوش از آنها دعوت کنیم که خودشان در تشکیل شوراهای سندیکاهای ما شرکت کنند. اجازه تشکیل آن را به کارگران بدهند و نماینده بفرستند و بر انتخابات آن نظارت کنند، تا بعد نتوانند باصطلاح دبه در بیاورند و از مذاکره با نمایندگان سندیکا شانه خالی کنند..."

۱۰ - اتفاقاً ما با همین نتیجه‌گیری مخالفیم. به این میگویید نتیجه‌گیری غلط از مقدمه چینی درست. به این میگویید دوستی خاله خرسه در حق کارگران. چرا؟ برای اینکه:

۱۱ - اولاً، باید توجه کنید که هر اصلاحات و هر بهبودی، هر چند جزئی، در زندگی کارگران در جامعه سرمایه‌داری، نتیجه جنبی و فرعی مبارزه انقلابی آنهاست. اگر میخواهید دولت را به مذاکره با کارگران بکشانید، باید قدرت مستقل کارگران را در مقابل دولت و سرمایه‌داران علم کنید. هیچ دولتی، هر قدر هم که عوامفریب باشد، علاقه‌ای به مذاکره با کارگران حرف گوش کن و قانون طلبی که از پیش معلوم باشد دست به اعتصاب و تحصن و تظاهرات و عمل مستقیم نمیزنند، نخواهد داشت. خود شما چند بار شاهد بوده‌اید که دولت در مقابل کارگران

صفحه ۱۱

به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

## در مورد ایجاد سازمانهای کارگری

منصور حکمت

مقدمه: نوشته زیر در سال ۱۳۶۲ توسط منصور حکمت به رشته تحریر در آمده است. امروز بحث تشکل سراسری کارگری در میان طیفی از فعالین کارگری و سیاسی و انسانی‌های چپ و سوسیالیست راه افتاده است و همراه خود سر بحثهایی را در مورد تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر باز کرده است. نوشته منصور حکمت در مورد ایجاد سازمانهای کارگری نکات ارزنده‌ای در مورد ساختن این سازمانها و رابطه آن با حاکمیت را از دیدگاه گرایش معینی در جنبش کارگری در بر دارد. گرایشی که منفعت عمومی طبقه کارگر و افق انقلاب کارگری اساس تلاش او است. نوشته منصور حکمت را در این شماره کمونیست منتشر می‌کنیم. خواندن آنرا به همه فعالین و رهبران عملی کارگری و کمونیست‌ها توصیه میکنیم:

۱ - نگاهی به خواستههایی که کارگران در طول چند سال گذشته، طی مبارزات خود مطرح کرده‌اند، نکته مهم، و یا در واقع نقطه ضعف و اشتباه مهمی را در کار کارگران پیشرو برجسته میکند. میگوییم کارگران پیشرو، زیرا این دسته از کارگران نقش مهمی در شکل دادن به خواسته‌ها و شعارهای مبارزات جاری کارگری دارند و بدون شک در صورتی که این رفقا از یک خط اصولی و حساب شده پیروی کنند، جنبش کارگری گامهای بلندی به جلو بر میدارد.

۲ - اما این اشتباه چیست؟ دیده‌ایم که در میان خواسته‌های کارگران از دولت و کارفرما، یعنی در میان خواسته‌هایی نظیر کاهش ساعت کار، اضافه دستمزد، تعطیلی پنجشنبه‌ها، سود ویژه، اخراج مدیران حزب الهی و غیره، گاه و بیگاه خواست تشکیل شورا و سندیکا هم مطرح میشود. یعنی کارگران در مواردی از دولت و وزارت کار میخواهند که برای آنها شورا و سندیکا ایجاد کنند، و یا در موارد دیگری، کارگران از وزارت کار میخواهند که نماینده بفرستد تا بر "قانونی بودن" جریان انتخابات شورا و سندیکای آنها نظارت کند.

۳ - ما کمونیست‌ها با اینگونه درخواست شورا و سندیکا از دولت مخالفیم. هیچ بخشی از طبقه کارگر به اندازه کمونیست‌ها مدافع این نیست که کارگران سازمانها و تشکلهای علنی و توده‌ای خود را بوجود آورند. این لازمه پیشروی طبقه کارگر است. اما ما با این مخالفیم که کارگران تشکیل این تشکلهای، تشکیل شوراهای سندیکاهای را از دولت و وزارت کار سرمایه‌داران درخواست کنند. ما با این مخالفیم که کارگران از دولت و سرمایه‌داران بخواهند که آنها را متشکل کنند و در اتحادیه‌ها و شوراهای سازمان دهند. ما با این مخالفیم که کارگران با دست خود دولت را بر امر کارگران حاکم کنند و از او بخواهند که بر انتخابات کارگری "نظارت" کند و قاضی "صلاحیت" نمایندگان کارگران بشود.

۴ - ما میگوییم تشکیل شورا و سندیکا امر خود کارگران است و محتاج اجازه قبلی دولت و نظارت نماینده و یا بازرس موجب بگیر وزارت کار نیست.

۵ - اما هر سندیکالیست اصلاح طلب و استخوان خرد کرده‌ای که

زنده باد برابری زن و مرد!

## در مورد ایجاد سازمانهای کارگری

### منصور حکمت

شانه بالا انداخته و حتی دست به تهدید و رجزخوانی زده. اما هنگامیکه نیروی مستقل متمرکز و مصمم کارگران را در برابر خود دیده است، وقتی با تهدید و اعتصاب سراسری روبرو شده است، خود با سر دویده و حاضر به مذاکره با نمایندگان واقعی کارگران شده است. از طریق جلب رضایت دولت و کارفرما نمیتوان با آنها مبارزه کرد. کارگران باید قدرت خود را به آنها تحمیل کنند.

۱۲ - در مورد تشکیل و رسمیت یافتن شورا و سندیکا هم همین قانون اساسی مبارزه طبقاتی حکمفرماست: اصلاحات نتیجه جنبی مبارزه انقلابی است و هر اصلاح و بهبود جزئی را نیز باید به نیروی همبستگی و رزمندگی طبقه کارگر به طبقه سرمایه‌دار و دولت او تحمیل کرد. شورا و سندیکا ابزاری برای مبارزه کارگران در جهت کسب حقوق آنهاست. حقوقی که سرمایه‌داران آن را غصب کرده‌اند و به زبان خوش پس نمیدهند. از طریق جلب رضایت دولت و سرمایه‌دار نمیتوان ابزار مبارزه علیه آنها را بوجود آورد. هیچ دولت بورژوازی برای کارگران شورا و سندیکای واقعی تشکیل نمیدهد و راه انتخاب شدن نمایندگان واقعی و انقلابی کارگران را باز نمیگذارد. ما باید تشکلهای توده‌ای و نمایندگان واقعی خود را به دولت تحمیل کنیم. ما باید به نیروی همبستگی و اتحاد خود کارگران دولت و کارفرما را ناگزیر کنیم که شورا و سندیکای ما را به رسمیت بشناسند. این تنها نیروی خود ما، نیروی مبارزه متحدانه ماست که به تشکلهای ما رسمیت میبخشد و نمایندگان ما را صاحب "صلاحیت" میکند.

۱۳ - از این گذشته کسی که به خاطر بهبود اوضاع کارگران، با دست خود پای دولت را در امر طبقه کارگر به میان میکشد، حداکثر دوست نادان کارگران است. او منافع طبقاتی، پایه‌ای و سراسری کارگران را به منافع انی و جزئی، که آنهم معلوم نیست از راه مسالمت جویانه تا چه حد قابل دستیابی باشد، میفروشد. تمام مبارزه کارگران بر علیه سرمایه‌داران، مبارزه‌ای بر سر کوتاه کردن دست سرمایه و سرمایه‌داران از حیات اقتصادی و سیاسی کارگران است. مبارزه‌ای که تا ساقط کردن کل حاکمیت طبقاتی سرمایه‌داران بر جامعه باید ادامه یابد. مبارزه‌ای که باید به تشکیل حکومت کارگری منجر شود. اما این دوستان کونجین که فقط در فکر "قانونی کردن" شورا و سندیکا هستند، استقلال کارگران را به یک سندیکای اصلاح طلب و مورد اعتماد دولت و سرمایه‌داران میفروشند. وگرنه هیچ کارگر آینده‌نگر و آگاهی برای اینکه دولت فردا حاضر باشد بر سر چند درصد اضافه دستمزد با نمایندگان سندیکا صحبت کند و آنها را به رسمیت بشناسد، خودش امروز با دست خود پای دولت را به امور کارگران باز نمیکند و از دولت دعوت نمیکند که بیاید و کارگران را مطابق میل خود سازمان بدهد و یا هر نماینده بی آزار و سر به زیر و یا حتی سازشکاری را که میخواهد از صندوق درآورد. با چنین شیوه‌ای، یعنی با مطالبه شورا و سندیکا از دولت و وزارت کار، هیچ چیز بجز سندیکای زرد طرفدار دولت و شورای اسلامی مجیزگوی جمهوری اسلامی نصیب کارگران نخواهد شد.

۱۴ - اگر میخواهیم شورا و سندیکای واقعی داشته باشیم و دولت را ناگزیر کنیم که شورا و سندیکای ما را به رسمیت بشناسند، راهش این است که خودمان رأسا دست بکار ایجاد شورا و سندیکا بشویم و به دولت

و کارفرما و وزارت کار هم بفهمانیم که کارگران متحد، کارگران همبسته، توده‌های کارگران کارخانه، این شورا و سندیکا را شورا و سندیکای خودشان میدانند، یکپارچه از آن حمایت میکنند و اجازه نمیدهند مویی از سر نمایندگان و رهبران آن کم شود. اینجا هم این نیروی اتحاد و همبستگی خودکارگران است که میتواند دولت را به تسلیم وادارد.

۱۵ - نتیجه هر نوع دخالت دولت در تشکیل شوراها و سندیکاها از پیش معلوم است. مگر بارها ندیده‌ایم و تجربه نکرده‌ایم که به نام شورا، جاسوسان حزب الهی را به ما تحمیل کرده‌اند؟ مگر ندیده‌ایم و تجربه نکرده‌ایم که نمایندگان واقعی ما را نپذیرفته‌اند و یا حتی دستگیر و اخراج کرده‌اند؟ مگر ندیده‌ایم که حضرات وزارت کار همواره "صلاحیت" کارگران کمونیست و انقلابی را رد کرده‌اند و جلوی انتخاب شدن آنها را با هزار تقلب و دوز و کلک گرفته‌اند؟ آیا قرار است وضع به همین ترتیب بماند و این تجارب تکرار شود؟

۱۶ - ممکن است کسی بگوید "این کار، یعنی دعوت دولت به دخالت در تشکیل تشکلهای کارگری از روی ناچاری است. آخر دولت در مقابل کارگران دست بالا دارد". البته بدون شک این هم یک عامل مؤثر در طرح این مطالبه نادرست است. اما ذهنیت "قانون طلب" و سندیکالیستی بخشی از کارگران نیز نقش مهمی در این مساله دارد. کافی است تجربه کارگران چاپ تهران را بیاد بیاوریم. رفقای کارگر چاپ تهران پس از قیام، یعنی وقتی که کارگران کاملا دست بالا را داشتند، تصمیم گرفتند سندیکای دوران شاه را منحل کنند و سندیکای جدید تشکیل بدهند. نمایندگان سندیکای قبلی مدعی شدند که مدت "قانونی" نمایندگی آنها تمام نشده و تا مرجع قانونی نباشد که دفاتر و اموال و پول سندیکا را تحویل بگیرد، و تا هیات مدیره جدید "قانونا" مشخص نشده باشد، کنار نخواهند رفت. جالب است! در شرایطی که شاه و قوانین و کل دستگاه قانون گذارانش از دست کارگران مسلح فراری بودند، نماینده سندیکای سلطنتی قانونی بودن خودش را به رخ میکشد! اما جالب‌تر و مایه تاسف این است که کارگران پیشرو چاپ هم به این استدلال تسلیم شدند. آنها سه ماه هر روز جلسه کردند تا تدارک انتخابات ببینند، در روزنامه‌ها اطلاعیه انتخابات چاپ کردند و از وزارت کار جمهوری اسلامی دعوت کردند که در انتخابات شرکت کند و بر آن نظارت کند. حضرات نمایندگان "قانونی" هم در روز انتخابات مدعی شدند که خود آنها باید بر انتخابات نظارت کنند، زیرا مطابق "قانون" انتخابات را هیات مدیره سابق برگزار میکند. نتیجه چه شد؟ هیچ، آنها حرف خود را پیش بردند و مجددا هر سه نفرشان دوباره از صندوق رای سر درآوردند. کارگرانی که مسلحانه قیام کرده بودند در برابر توهمات قانون طلبانه خود و تلاش خود برای راضی نگه داشتن وزارت کار زانو زدند و عقب نشستند. از اینگونه تجارب باید درس گرفت!

۱۷ - ما کمونیستها خواهان استقلال طبقه کارگر در مبارزه‌ایم. ما کمونیستها خواهان آنیم که طبقه کارگر با اتکاء به خود و نیروی مستقل خود برای دست یافتن به خواسته‌های طبقاتی‌اش متشکل شود و مبارزه کند.

۱۸ - ما کمونیستها می‌گوییم، کارگران! تشکیل شورا و سندیکا کار خود شماسست و نیازی به اجازه دولت و کارفرما و نظارت وزارت کار ندارد.

۱۹ - ما می‌گوییم، اگر همبسته و متحد از تشکیلات خود دفاع کنید، اگر خودتان اول تشکل خود، شورای خود و سندیکای خود



## در مورد ایجاد سازمانهای کارگری

### منصور حکمت

را ایجاد کنید و به رسمیت بشناسید و در آن چون تن واحد عمل کنید، آنگاه و تنها آنگاه خواهید توانست رسمیت آن را به دولت، به هر دولتی، تحمیل کنید.

۲۰ - ما میگوئیم، شورا و سندیکایی که دولت برای شما تشکیل دهد، حتی اگر راضی به این کار شود، شورا و سندیکای کارگری نخواهد بود. یک خیمه شب بازی سندیکایی خواهد بود که عروسکهای آن را به شکل کارگران ساخته‌اند. شورای اسلامی و سندیکای زرد دولتی نتیجه چنین روشی است.

۲۱ - ما میگوئیم، کارگران باید فوراً و کاملاً مستقل از دولت دست بکار تشکیل شوراهای واقعی خود شوند. مجمع عمومی کارخانه خود را تشکیل دهند، جلسات آن را منظم کنند و آن را به عنوان عالیترین ارگان تصمیم‌گیری کارگران به رسمیت بشناسند و در مقابل دولت و کارفرما و وزارت کار قرار دهند. مجمع عمومی رسمی و منظم اولین رکن شورای واقعی است.

۲۲ - ما میگوئیم، کارگران باید همبسته و متحد اعلام کنند که دولت به

هیچ وجه حق ندارد در تشکیل شوراها و سندیکاهای کارگران دخالت کند. دولت باید هر نماینده و هر تشکلی را که کارگران به اراده خود انتخاب و ایجاد کرده‌اند به رسمیت بشناسد.

۲۳ - ما کمونیستها میگوئیم طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد میشود. کارگران باید در تشکلهای مستقل خود و در راس همه در حزب سیاسی خود، در حزب کمونیست، متحد و متشکل شوند و مبارزه انقلابی خود را برای برچیدن کل نظام سرمایه‌داری شدت بخشند. هر اصلاح جزئی و هر بهبود کوچک در اوضاع کارگران نتیجه جانی این مبارزه انقلابی خواهد بود. کارگران هر گاه از مبارزه انقلابی دست بکشند، از اصلاحات و بهبود نسبی اوضاع هم بی نصیب خواهند ماند.

۲۴

- کارگران! تشکیل شوراها و تشکلهای کارگری امر خود شماست. اینها را از دولت تقاضا نکنید و منتظر اجازه و نظارت دولت نشوید. بر عکس، اعلام کنید که دولت حق هیچگونه دخالتی در این امر ندارد و باید تشکلهای توده‌ای کارگران را بی هیچ قید و شرط به رسمیت بشناسد.

۲۵ - مبارزه مستقل و اتکاء به نیروی توده‌های کارگر تنها راه پیروزی است.

منصور حکمت

### مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می دهند. مردم را میترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است.

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالکیت میگیرد، پول می گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام می شود را کنار هم بگذارید ببینید با ثروت بزرگترین کمپانی های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می کنند محصولش را بفروشند. سعی می کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکنند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست. این یک صنعت عظیم خرافه پرانی، ارباب مردم و تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است. و اگر شما یک جامعه آزاد می خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپتنی های سودجو مقابله میکنید که میدزدند و میبرند و جای خودشان ویرانه بجا می گذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونیست هفتگی شماره ۳۶۸ در باره مبارزه با مذهب صفحه ۱۰

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!**

## یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصلاح مدرن امروز، ایده هایی که هر یک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد .

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

آدرسهای تماس با حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر اجرایی

سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

هفتگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

 @hekmatis Hekmatist.org @hekmatis1917 @hekmatis pary

PARTOW TV

 @patowtv Thepartow TV @PartowTV @PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!